

روزنامه‌های ایران

در حاشیه انتشار بر شی از خاطرات آیت‌الله زین‌العابدین قربانی لاهیجی

روایتی از «دوران غربت»

■ شاهد توحیدی



اثر تاریخی –روایی «دوران غربت» که دربردارنده فرازهایی از خاطرات سیاسی عالم فرزانه حضرت آیت‌الله زین‌العابدین قربانی لاهیجی نماینده مقام معظم رهبری در گیلان وامام جملہ استان گیلان بود که این مهم در استان ما به سبب فقدان منابع از یک سو و عدم توجه یا حساسیت محققین و تاریخ‌نگران از سوی دیگر سبب شد چهره‌های سابقون انقلاب همچنان در تاریخخانه تاریخ باقی بمانند و تنها مقربین قرین به پیروزی به عنوان قهرمان ملی معرفی شوند. این امر موجب حساسیت نماینده مقام معظم رهبری در استان گیلان به عنوان سند زنده انقلاب گردید و معظله وقایع نگاشته و نوشته‌های انقلاب در گیلان را بیان فرمودند که توجه به آنها می تواند منشا و منبع تاریخ انقلاب استان باشد. از این رو با اصرار نزدیکان، معظله پس از ۳۰ سال بعد از پیروزی انقلاب ناگزیر به شکستن قفل سکوت شدند و برای اولین بار طی یک مصاحبه ۸۰ دقیقه‌ای با صدا و سیمای مرکز گیلان، پرده از رازهای سر به مهر برداشتند و اسامی انقلابیون در حال فراموشی را بر زبان جاری نمودند که موجب اعجاب همگان شد که چرا از این جان پر کفان نهضت امام (ره) در گیلان که در طول نهضت مرآت‌ها،محرومیت‌ها،شکنجهاوزندان‌ها را به جان خریدند،نامی و نشانی باقی نمانده یاز آنها یادنی نشده است؟فرزانه حضرت آیت‌الله زین‌العابدین قربانی لاهیجی نماینده مقام معظم رهبری در گیلان و امام جمعه رشت نیز در مقدمه‌ای بر این کتاب نگاشته‌اند:

«در ایامی که سی‌امین سال پیروزی انقلاب را جشن می‌گرفتیم، مشاهده شد که شور گسترده‌ای در سراسر کشور به‌خصوص در گیلان، به‌ویژه در صدا و سیما پیرامون در زمینه معرفی ابعاد فراموش شده انقلاب



آیت‌الله زین‌العابدین قربانی لاهیجی

و عزیزی که از آغاز قیام امام خمینی تا پیروزی آن (۱۳۵۷ - ۱۳۴۰) در این راه جانفشانی کردند، شهید شدند، زندان رفتند، تبعید شدند، شکنجه شدند و خسارت دیدند، به چشم می‌خورد. این موج باعث خوشحالی فرزندان انقلاب گردید و امیدوار شدند که سرانجام حق به حقدار می‌رسد، لیکن در این بین احسان دیده می‌شد، به جهت اینکه کارها نوعاً در دست نسل دوم و سوم بود و منابع مدونی هم در گیلان بود که همه ابعاد انقلاب اسلامی را در این استان بررسی بی‌طرفانه کرده باشد و لذا گاهی السابقون السابقون به فراموشی سپرده شده و چه بسا آنانی که تا عاگو بودند و آب به اسباب دشمن می‌ریختند، به عنوان قهرمان ملی و عامل ترقی و امور انقلابی گیلان معرفی می‌شدند! این امر بنده که سه‌می در این راه داشته و بی‌وفایی بعضی‌ها را در گذشته لمس کرده‌ام، نگران ساخت و با خود گفتم: اکنون که ما هستیم، چنین می‌کنند، فردا که نباشیم چه خواهند کرد؟ در همین روزها که در تهران ستاد برگزاری ای‌سین‌سالگرد پیروزی انقلاب، صدا و سیما وسپه سوختمه‌های انقلاب در میان گذاشتیم و آنها از من خواستند که در این راه اقدام شایسته و بایسته‌ای را عمل آورم و با آنان مصاحبه و کتاب جامع‌الاطرافی را پیرامون ابعاد مختلف انقلاب تدوین نمایم تا اگر کسی خواست از ابعاد مختلف انقلاب و انقلابیون آن مطلع شود، بتواند به آنها مراجعه کند. بدون شک پیشنهاد بسیار منطقی و درستی است و می‌تواند جلوی تحریف تاریخ را بگیرد و سرافکندگی ناشی فقدان کتابی جامع در معرفی وعاط السلاطین و انقلابیون ناب را برطرف نماید؛ بزرگانی چون آیت‌الله گیلانی، آیت‌الله محفوظی، آیت‌الله ربانی املشی، آیت‌الله دکنر ضیایی، آیت‌الله فیضی، حجت‌الاسلام قائمی، حجت‌الاسلام جعفری گیلانی، حجت‌الاسلام حسن عاشوری، حجت‌الاسلام سجادی، حجت‌الاسلام مظفری، حجت‌الاسلام نخعی، حجت‌الاسلام لاهوتی، حجت‌الاسلام میرعبدالمطمی، حجت‌الاسلام افتخاری، حجت‌الاسلام فومنی، حجت‌الاسلام سنجونی، حجت‌الاسلام غرضی، حجت‌الاسلام حسین‌نیا، حجت‌الاسلام موسوی، شهید ابوالحسن کریمی، شهید عبدالکریمی، مهندس علی قیامتیون، قاسم، حسن و علی پورقاسمی، محمد مهدی رهبری راملشی، محمود اخوان، محمود صابر میشتگی، شهید انصاری، شهید نورانی و… تا جر آن ضایع نگردد» معرفی این اثر از جمند تاریخی را به عموم تاریخ پژوهان انقلاب توصیه می‌کنیم.



✚ تصویر منتشر نشده‌ای از شهید سیدحسین امامی ، عکس از مرحوم سیدمصطفی مترجم مدنی

اعدام انقلابی عبدالحسین هژیر وزیر دربار شاهنشاهی، زمینه‌ها و پیامدها

بازگشت حق انتخاب به ملت

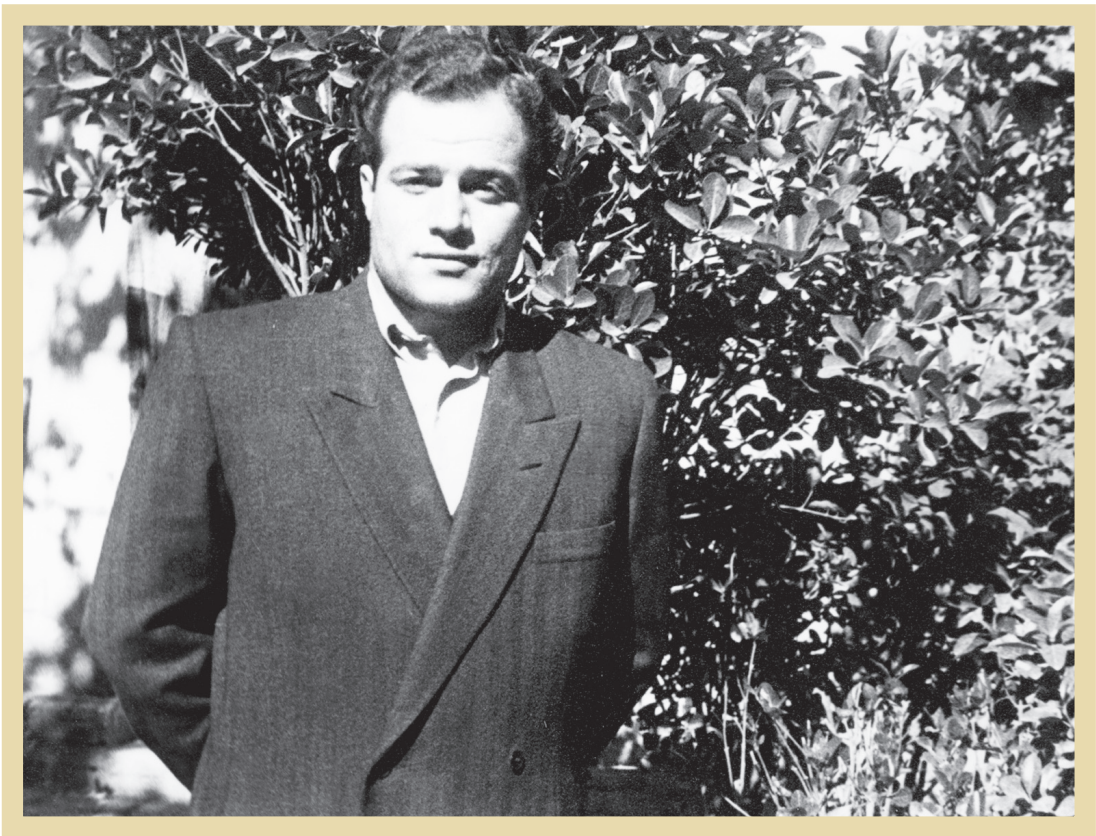
♦ علی احمدی فراهانی

بعدازظهر روز جمعه دوازدهم محرم مطابق با سیزدهم آبان ۱۳۲۸ بود، مجلس روضه‌خوانی شاه در مسجد سپهسالار تهران که به نوعی تئاتر شبیه بود تا مجلس عزاداری امام حسین(ع)، آخرین روز خود را طی می‌کرد. جمعیت نمایانی از تعدادی از تشیابان و پاسبان‌های لباس شخصی و انبوه بیگارهای تهران و نیز مددوی از دولتمردان در آنجا گرد آمده بودند. عبدالحسین هژیر که در حکم دست راست شاه و قبلاً نیز نخست‌وزیری و

در آن برهه وزارت وقت دربار را عهده‌دار بود، به نمایندگی از جانب شاه در صدر مجلس قرار داشت و عده زیادی از عالم‌نماها و درباریان دورادور او را گرمین‌دوند که ناگاه صدای شلیک تیری مجلس را تکان داد و پیرو آن هژیر این عقل منفصل شاه که مراحل مختلف سیاستمداری را گذرانده و از تاریخ ۲۷/۳/۲۰ تا ۲۷/۸/۱۶ نخست‌وزیر بود، نقش به‌کلی به هم ریخت و عده‌ای پا به فرار گذاشتند و عده دیگری فریاد می‌زدند لامب‌ترکیده است!در این میان سیدحسین امامی جوان رشیدی که سال‌هاست در مکتب نواب‌صفوی تربیت شده بود و در معر که نبرد با کسروی نیز مؤثر ترین نقش را داشت، بسنان کوه ایستاد و از بیم آنکه مبادا شکارش از پای درنیامده باشد، با اسلحه به سر و صورت او کوبید و بدین صورت خاطر جمع شد که وظیفه‌اش را به‌خوبی انجام داده است. در این هنگام طبق دستور قبلی رهبر خود، اسلحه را به زمین انداخت و الله‌اکبر گفت و خود را تسلیم کرد!

■ شرایط سیاسی کشور در برهه اعدام عبدالحسین هژیر

شاه برای دستیابی به تمام قدرت سیاسی و رساندن خود به رأس هرم حکومت، اطراف خویش را با تمهیدات ویژه‌ای خلوت کرده و حتی انتخابات دوره شانزدهم را هم طوری ترتیب داده بود که هیچ عنصر مخالفی نتواند به مجلس شورای ملی راه یابد. در همین روزها که در تهران دوران سازندگی جهان بعد از جنگ جهانی دوم، تعیین نمایندگان دوره شانزدهم مجلس شورا و سنایاتجام می‌گرفت، به‌قدری تقلب‌های آشکار و غیرآشکار رخ داده بود که اکثریت مردم و عمده مبارزین و دست‌اندر کاران نهضت ملی را ناخرسند و خشمگین ساخته بود، مخصوصاً جنبه ملی



وکیل مجلس شود، چه برسد به اینکه نخست‌وزیر شود و اگر رزم‌را بود، مصدق چگونه می‌توانست نخست‌وزیر شود؟ خود مصدق نمی‌توانست نخست‌وزیر شود چه

برسد به کارهایی که انجام داد.» (۲)

تاریخ افتتاح مجلس سنا بنا تغییر کرد و از آن مهم‌تر اینکه انتخابات مجلس شورای ملی در تهران که با تمهیدات هژیر طوری انجام شده بود که نمایندگان واقعی مردم تهران نتوانند به مجلس راه یابند، در تاریخ ۱۳۲۸/۸/۱۹ از طرف سیدمحمدصادق طباطبایی رئیس انجمن نظارت باطل اعلام شد و شاه که بر اثر این پیشامد موقعیتی متزلزل یافته بود، در تاریخ ۱۳۲۸/۸/۲۴ با هواپیمای اختصاصی ترومن به امریکا رفت و ۴۸ روز در آنجا ماند!

در این مقطع ساعد مراغه‌ای نخست‌وزیر، حکیم‌الملک وزیر دربار، سر لشکر زاهدی رئیس شهریه‌بانی، سرلشکر رزم‌ارز رئیس ستاد ارتش و شاهرخ زرتشتی مدیر کل تبلیغات ایران بودند.

■ شهید سیدحسین امامی، آن که حق انتخاب را به ملت ایران بازگرداند

شهید بزرگوار سیدحسین امامی در سال ۱۳۰۳ در خانواده‌ای متدین در جنوب شهر تهران متولد شد و مانند هزاران نفر از مردم غیرتمند دیگری که چونان آتش زیر خاکستر در عهداختناق رضاشاهی می‌سوختند و روزگار می‌گذراندند، دوره نوجوانی خود را گذرانده بود. پس از شهریور ۱۳۲۰ که برای سرکوب کسرویسیم و اعدام انقلابی این سستیزه‌گر

داد‌گاه نظامی محاکمه کرد و در سحرگاه ۱۳۲۸/۸/۱۷ در میدان سپه به دار آویخت.

امامی در بی‌داد‌گاه ارتش شاه‌چنان رشادتی از خود بروز داد که یال و کویال‌داران ارتش شاهنشاهی حیران و بهست‌زده شدند و با تمام تمهیدات خود نتوانستند کلمه‌ای ضد آرمان مقدس او، از زبانش بشنوند یا اینکه وادارش کنند تا کس دیگری را در این‌باره با خود همدست قلمداد کند. او تا آخرین لحظه از حلقومش خارج شد «لاله‌الله»، «الله‌اکبر» و «زنده باد اسلام» بود. رژیم از سر ترس و زبونی، پیش از آنکه هوا روشن شود، جسدش را پایین آورد و به گورستان متروکه‌ای در امامزاده حسن جنوب غربی تهران برد و با عجله دفن کرد، اما نواب‌صفوی آرام نگرفت و باهیب و تهدید رژیم را وادار کرد تا محل دفنش را نشان دهد. فداییان اسلام بیکر مطهرش را از آنجا به درآوردند

و با تجلیل انقلابی در میان شور و هیجان فرزندان رشید اسلام در مزار این‌یابویه –شیح صدوق– واقع در شهری به خاک سپردند. مزار این شهید دلاور اسلام که در شب‌های تاریک و ظلمانی مبارزات کفر و حق جرقه‌ای زد و مانند شهبای درخشید، مانند خاری در چشم ذرخیمان پهلوی بود و لذا آن را با خاک یکسان

و آشارس از محو کرده بودند تا اینکه بعد از پیروزی انقلاب کتوهمند اسلامی ایران سنگی روی آن تعبیه شد هرچند در سالیان اخیر و با عنایت به تغییرات گورستان این یابویه، جای دارد که مزار مطهر این شهید بزرگ به شکل مناسبی بازسازی شود. ■ مرثیه شهید سیدحسین امامی به قلم رهبرش شهید نواب صفوی

پس از شهادت امامی، از نسوی فداییان اسلام اعلامیه‌ای تحت عنوان «خدا یا خدا! این قربانی عزیز را در راه اسلام ما بپذیر» بافلاصله در تهران منتشر شد و ریشه‌دار بودن مبارزات ضد اسلام را در ایران به‌ظهور درآورد. نواب‌صفوی در سالگرد شهادت امامی با او زمزمه عاشقانه نگاشت که شمه‌ای از آن دربی می‌آید: «فامی‌ای شهید عزیز ما، امامی‌ای جگرگوشه زهرا، امامی‌ای قربانی‌راه خدا، آسوده بیارم و در باغ رضوان خرامان، خرامان قدمی به آسایش بز، عیدخدا‌یی‌ای فرزندان خردسال و بزرگ روح اسلام، عیدخدا‌یی‌ای فرزندان نوجوان، عیدخدا‌یی‌ای نمونه مکتب فداکار قرآن، تو هم در گوشه زندان با خیالی راحت زندگی کن، تو هم در کنج سلول محبس با خدای خود خلوت کن، تو هم در فضای ظلمانی زندان به عبادت خدای خود توجه کن، نور ایمانت روشن شده است و به راز و نیاز با حق مشغول باش که برادران شما به حال شما حسرت‌زده می‌نگرند و از محرومیت خود بی‌اندازه متأثرند و از عقب‌ماندگی‌شان در میدان عشق به خدا خجلت‌زده‌اند و در بی فرصت مناسب برای انجام وظیفه و در انتظار نوبت فداکاری همه مایلند قبل از دیگری قدم در عرصه فداکاری بپنند و هر یک شتابان‌اند که زودتر وظیفه خویش را انجام و عشق به خدای خود را تا آخرین مرحله بروز دهند.

آری همگی به انتظار نوشیدن شربت شهادت در راه حق دقیقه‌شماری می‌کنند، ولی افسوس وظایف بزرگ‌تری مانع به آتش زدن برادران شماسنت. اگر وظیفه تربیت اجتماع نبسود برادرانتان ابراهیم‌وار در آتش نمرود غوطه‌ور می‌شدند.

آری امامی عزیز اگر وظایف دیگر نبود ما هم مانند توبه تلاوت کلام زیبای خدا بر فراز چوبه دار به صدا درمی‌آید و مثل نسو آخرین نفس خود را با کلمه دلنشین زندیهاد اسلام از گلوگاه خود خارج می‌ساختیم و چون تو تربیت فداکاری مدرسه اسلام را نشان می‌دادیم و دل دشمنان اسلام و قضیتل را با ندای جانسوز الااسلام بعلوا و لا یعلی علیه که در دیوار طبیعت بر این حقیقت گواهند به لرزه درمی‌آوردیم و با تقدیم سر و جانمان و با ریختن قطرات خونمان بر پای هدفمان حقیقت ثابت را که اسلام برتر از همه چیز و هیچ چیز برتر از اسلام نیست تثبیت می‌کردیم.‌ای امامی ارجمند و‌ای عیدخدا‌یی عزیز به خدای محمد قسم و به فضیلت و غیرت قسم به دنبال هدف مقدس شما به همراه برادر عزیزمان حضرت طهماسبی که چون ابراهیم به پیش‌قدمی و آتی با دشمنان خدا و اسلام مداهنه نمی‌کنیم یا اینکه هدف بزرگمان را راجزا و مملکتمان را در سایه اجرای تعالیم عالی اسلام رشک جهانیان سازیم یا اینکه به تو‌ای امامی عزیز ملحق شویم و بر فراز چوبه دار چون تو مردانه به در آییم و در پیشگاه مقدس آل محمد با شعا در ددل باز گوئیم. ان‌شاءالله الرحمن.»

■ بی‌نوشت‌ها:

(۱) ر.ک به:فداییان اسلام در کلام پاران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۹۳

(۲) همان

(۳) ر.ک به: سید مجتبی نواب صفوی، اندیشه‌ها، مبارزات و شهادت. انتشارات مشور برادری، ص ۴۵.

روزنامه جوان | شماره ۴۱۱۴

“امامی در بی‌داد‌گاه ارتش شاه چنان رشادتی از خود بروز داد که یال و کویال‌داران ارتش شاهنشاهی حیران و بهت‌زده شدند و با تمام تمهیدات خود نتوانستند کلمه‌ای ضد آرمان مقدس او، از زبانش بشنوند یا اینکه وادارش کنند تا کس دیگری را در این‌باره با خود همدست قلمداد کند. او تا آخرین لحظه از حلقومش خارج شد «لاله‌الله»، «الله‌اکبر» و «زنده باد اسلام» بود

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

“

✚ نمایی از شانزدهمین دوره از مجلس شورای ملی. در تصویر حسین مکی و ابوالحسن حائری زاده دیده می‌شوند.